سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل‌سنت



سی و دومین نشست از نشست‌های علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با حضور و ارائه جناب آقای منصور داداش نژاد عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه با موضوع «سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل‌سنت» در روز شنبه بیست و سوم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ در پژوهشگاه مطالعات تقریبی قم برگزار گردید. ناقد این کرسی جناب آقای دکتر رسول قلیچ بودند.

این کرسی با حضور ریاست محترم و پژوهشگران ارجمند پژوهشگاه به‌صورت حضوری (با رعایت پروتکل‌های بهداشتی) و نیز با حضور مجازی فعالان و علاقه‌مندان بحث وحدت و تقریب برگزار گردید.

دکتر داداشی نژاد در ابتدا بیان داشت که ما بنا داریم که مطالعات اهل‌بیتی اهل‌سنت را از آغاز نگارش فضائل تا قرن دوازدهم آسیب‌شناسی کنیم.

ایشان ادامه داد که کتبی که اهل‌سنت در مورد اهل‌بیت نگاشته‌اند، یا مستقل هستند یعنی فقط در این موضوع هستند و یا شامل یعنی مطالب دیگری هم دارند و ضمن مشتمل فضایلی از امام معصوم و یا امامان

معصوم هستند.

کتب مستقل یا راجع به یک امام یا تعدادی از معصومین هستند و در مواردی همه ائمه را به‌عنوان یک سلسله لحاظ کرده و در مورد آنان کتابت نموده‌اند، مثلاً طبقات‌الکبری کتابی است مشتمل بر مباحث اهل‌بیت، بخاری و برخی دیگر از صحاح و سنن احادیث را نقل نمی‌کنند بلکه ائمه به‌گونه‌ای روایت می‌کنند که برای شیعه قابل‌استفاده و احتجاج نباشند و در مواردی ائمه به نفع خودشان مصادره می‌کنند بعد از حمله مغول آزادی‌های بیشتری حاصل شد که زمینه فراهم شد که سلسله کتبی در مورد ائمه نوشته شوند، مثل تاریخ گزیده حمدا مستوفی.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه گفت که روند نگارش تاریخ اهل‌سنت در مورد ائمه، تحت‌تأثیر رشد و تبلیغ شیعه است. این کتب برای شیعیان بسیار مهم بوده‌اند چون مفید الزام یا اسکات خصم هستند، اما ما باید این کتب را منظومه‌ای ببینیم و از انتخاب بخشی و ارائه تحلیل بر پایه آن بپرهیزیم، چون این کار صحیح نیست.

ایشان در ادامه گفت تاریخ‌نگاری اهل‌سنت در مورد اهل‌بیت را می‌توان به دو مکتب شام و مکتب خراسان تقسیم کرد گرچه استثنا هم وجود دارد.

ایشان در تبیین مواضع مکتب شام گفت:

مکتب شام مقصره هستند، فضایل و کرامات را کمتر ذکر می‌کنند و آنان را از انحصار معصومین در می‌آورند و این فضایل را به دیگران هم تعمیم می‌دهند و نسبت به نگاه شیعه برخورد تردید انگیزی و ابطالی دارند، مثل: ابن تیمیه، ابن ذهبی، ابن کثیر و ……مکتب شام گرچه فضائل را نقل می‌کند اما انحصار و فضیلت بودن را از آن سلب می‌کند مثلاً ابن تیمیه آیه تطهیر را بیان می‌کند ولی اولاً می‌گوید این دستور و انشا است نه خبر که دال بر فضیلت باشد و در ثانی منحصر به خمسه آل عبا نیست، بلکه شامل همسران حضرت رسول اکرم هم می‌شود و نیز در تبیین و تفسیر آیه مباهله، امتیاز ویژه‌ای نمی‌بینند که مثلاً ورود آنها به کسا و یا همراهی پیامبر در مباهله صرفاً به‌خاطر اقربیت به پیامبر بوده نه اینکه دلالت بر فضیلتی برای آنان باشد.مکتب شام همه شیعیان حتی غلات را با یک عنوان می‌بینند و غلات را نماینده واقعی تفکر شیعی برمی‌شمارند تا زمینه تخریب بیشتری بیابند.مکتب شام به علت خصومت با تفکر شیعی، هرکسی را که نقل فضائل کند، متهم به شیعی

بودن می‌کنند تا مکتوب وی را از حوزه استناد مقبول خارج کنند مثلاً نسایی و حاکم نیشابوری و گنجی شافعی و سبط ابن جوزی و حتی احمد بن حسین بیهقی و ابن خلکان را متهم به شیعی بودن می‌کنند تا استناد به آثار آنان را نپذیرند و نامقبول جلوه دهند.مکتب شام کارهای شیعه را متفاوت از رفتار ائمه می‌نمایانند و با نقل فرمایشاتی از ائمه در مدح و تمجید از خلفا می‌آورند آن را متضاد با رفتار شیعیان می‌شمارند. برخی از آنان (ابن حبان) گرچه خود ائمه را موثق و صادق می‌دانند اما هیچ روایتی را که شیعیان از ائمه روایت کرده‌اند را نمی‌پذیرند.



ایشان مکتب خراسان را هم قالب چند امر تبیین نمود و در مقدمه بحث متذکر شد که قبلاً تاریخ‌نگاری باب نبوده و آنچه بوده فضائل نگاری بوده در فضائل نگاری با تاریخ‌نگاری متفاوت است در فضائل نگاری فقط خوبی‌ها نقل می‌شود و به‌منظور الگوسازی است و تارخ نگاران معترض به فضائل نگاران هستند کمااینکه محدثین همیشه به مورخین اشکال دارند که چرا رعایت وثاقت روات نمی‌شود.

مکتب خراسان تعاریف مشترکی با شیعه در مورد اهل‌بیت دارند و اگرچه ولایت سیاسی ائمه را نمی‌پذیرد به شیعه نزدیک‌تر است. اینها مشکلی با ذکر فضائل اهل‌بیت ندارند و اکثریت نویسندگان اهل‌سنت از این طیف هستند و بعد از حمله مغول که فضای نگارش از خفقان درآمده، به نگارش این متون اقدام کرده‌اند.

ایشان ادامه داد که مکتب خراسان بیشتر فضائل نگاری می‌کنند تا تاریخ‌نگاری، آنها:

نگارش متعدد و متکثر فضائل مطلوب آنان است و هر فضیلتی را برای همه افراد نقل می‌کنند؛قائل به شفاعت ائمه هستند و حتی در متن کتاب درخواست شفاعت ائمه را دارند؛هر روایتی و لو ضعیف را اگر متضمن فضیلتی باشد، نقل می‌کنند؛به شیوه داستان‌نویسی برای

نقل فضائل خیلی اقبال دارند چون داستان شیوه قابل فهمی باری عموم است و مردم را قانع می‌کند لذا به این سبک می‌نویسند و معمولاً برای افراد سیمای فرابشری ترسیم می‌کنند برای ائمه هم این‌گونه عمل می‌کنند؛معمولاً به دنبال ایجاد الگوی خاصی برای رفتار و یا سیروسلوک هستند، مثل: تذکرةالاولیای عطار نیشابوری.

ناقد محترم دکتر رسول قلیچ ضمن تشکر از نویسنده کتاب سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل‌سنت متذکر شد که نویسنده محترم کل منابع اصلی و اصیل و کهن اهل‌سنت در طول ده قرن را بررسی نموده و بیش از صد عنوان کتاب را به‌دقت خوانش و بررسی کرده است ایشان به‌عنوان کتاب و برخی نکات ویراستاری اشکال نموده و خواستار نگارش کتاب در فضای بعد از قرن دوازدهم شد



در پیان هم تعدادی از پژوهشگران در مورد مباحث طرح شده اظهارنظر نموده و سؤالاتی مطرح نمودند و ارائه‌کننده محترم پاسخ سؤالات را مطرح نمودند.


www.taqrib.ir